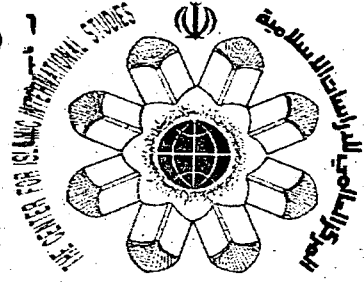


کتابخانه نه جامع
جامعه النور
معاونت پژوهش
مرکز جهانی علوم اسلامی



مركز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

مبانی حقوق از دیدگاه قرآن و حدیث

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: قرآن و حدیث

نگارش: سلطان احمدی

استاد راهنما: حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید حسن وحدتی شبیری

استاد مشاور: حجة الاسلام و المسلمین غلام رضا مغیسه

بهمن ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۶۸۵

تاریخ ثبت: ...

- مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده می‌باشد.
- هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقدیر و تشکر :

حمد و سپاس خدایی را سزد که مالک و صاحب جهان هستی، خالق و مدبر نظام عالم است. او که پیوسته فیضش شامل حال بندگانش بوده و نعمت‌هایش را امکان شمارش نیست.

بر خود فرض و واجب می‌دانم که از همه اساتید گرانقدر که در طول سال‌های تحصیل مشعل هدایت‌م بوده‌اند و افتخار شاگردی در حضور آنها را داشتم به ویژه استاد عزیزم حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید حسن وحدتی شبیری به عنوان استاد راهنما و حضرت حجة الاسلام و المسلمین غلام رضا مغیسه به عنوان استاد مشاور این پایان‌نامه که همواره با گشاده رویی مزاحمت‌های چندین ماهه این حقیر را صبورانه و صمیمانه پاسخ‌دادند کمال تقدیر و تشکر را نمایم.

بر خود فرض و واجب می‌دانم که از رئیس محترم مرکز جهانی علوم اسلامی حضرت حجة الاسلام و المسلمین اعرافی و مدیر محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی حضرت حجة الاسلام و المسلمین محامی که زمینه تحصیل و تحقیق را برای طلاب فراهم کرده‌اند و مسئولین محترم واحد پایان‌نامه که برای تدوین این رساله مساعدت خوبی را مبذول داشتند، تقدیر و تشکر نمایم.

اهداء و تقديم:

به پیامبر رحمت و مهربانی

و ائمه معصومین

و همه پیروان واقعی و راستین آنان.

چکیده :

تحقیق حاضر تلاشی است برای پاسخ به این سوال که مبانی حقوق از دیدگاه قرآن و حدیث چیست؟ و چکیده مطالبی که برای پاسخ به آن بیان شده است این است:

حق در لغت به معنای «ثبوت» و در اصطلاح عبارت است از «مجموع قواعد و مقررات لازم الاجرای که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده است که از این قواعد حقوقی به قانون و احکام نیز تعبیر می‌شود.

مبانی حقوق از دیدگاه قرآن و روایات عبارت است از توجیه ویژگی‌های قواعد حقوقی براساس «اصول موضوعه» که در ارتباط با حقوق از قرآن کریم و احادیث استنباط می‌شود.

اصول و مفاهیمی که ویژگی قواعد حقوقی براساس آن توجیه می‌شود، از دیدگاه قرآن کریم و احادیث عبارت است از «خدا محوری و توحید»، «اصل معاد»، «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان»، «اصل عدالت» و «اصل حکمت بالغه الهی».

قانون‌گذاری انسان بدون اذن خداوند در تضاد با اصل توحید است؛ زیرا خداوند اقل چیزی که برای یک موحد لازم است این است که توحید در ذات، توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت تکوینی و تشریحی و توحید در الوهیت را پذیرفته باشد، و قانون‌گذاری انسان بدون اذن الهی با ربوبیت تشریحی خداوند منافات دارد. بنابراین، ویژگی‌های قواعد حقوقی که عبارت است از اعتبار و جعل قوانین و الزامی بودن آن مبتنی بر توحید در ربوبیت تشریحی و حاکمیت خداوند است.

قانون‌گذاری انسان بدون اذن خداوند با کرامت ذاتی انسان منافات دارد و تأمین‌کننده کرامت اکتسابی و هدف‌نهایی انسان که تحصیل رضایت الهی است، نمی‌باشد؛ زیرا که بر اساس کرامت ذاتی انسان همه انسان‌ها آزاد و مختار آفریده شده و هیچ‌کس حتی پیامبران حق حاکمیت ذاتی بر انسان ندارد. و کسی می‌تواند قوانین متناسب با فطرت و کرامت ذاتی انسان جعل نماید که از همه گستره وجودی انسان آگاه باشد و از آنجا که فقط خداوند آگاهی کامل بر همه ابعاد وجودی انسان دارد، فقط او می‌تواند و حق دارد برای انسان قانون وضع نماید. و براساس هدف‌نهایی انسان که تحصیل رضایت الهی است، هر کس معتقد به قانون‌گذاری غیر خدا و تابع احکام غیر الهی باشد، خداوند از او راضی نیست و این با هدف انسان که تحصیل رضایت الهی و سعادت انسان است، در تضاد می‌باشد.

از آنجا که بایدها و نبایدهای که در سعادت انسان مؤثر است گسترده‌تر از الزاماتی است که در قواعد حقوقی و احکام مطرح است، و هنگامی که رعایت آن بایدها و نبایدهای گسترده برای سعادت انسان لازم است، رعایت احکام قواعد حقوقی به طریق اولی لازم است. بر اساس اصل عدالت، از دیدگاه قرآن و روایات قوانینی عادلانه است که از سوی خداوند جعل و اعتبار شده باشد. و برای احدی جایز نیست که به خاطر قرابت و دوستی یا عداوت و دشمنی از اجرای عدالت ابا داشته باشد. و نیز از دیدگاه قرآن کریم و روایات، عدالت نه تنها تأمین کننده نظم و امنیت اجتماعی است، بلکه تأمین کننده فضیلت و سعادت انسان نیز می‌باشد. بنابراین، رعایت قوانین و حقوق اجتماعی به جهت تحصیل فضیلت و کرامت و رضایت الهی نیز لازم است.

بر اساس حکمت بالغه الهی تمام احکام الهی عادلانه است، اگرچه در ظاهر تفاوت‌های هست مانند تفاوت‌های که در ارث و دینه بین زن و مرد وجود دارد؛ زیرا انکار عدالت و حکمت الهی مساوی است با انکار آن ذات مقدس.

ایمان به توحید، عدالت و حکمت خداوند بدون ایمان به معاد و فرجام باوری کامل نمی‌گردد و ایمان به معاد ضامن اجرایی تمام قوانین الهی و انگیزه اصلی تهذیب نفوس و احقاق حقوق و عمل به تکالیف است.

سخن آخر این که از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، انبیاء، ائمه معصومین و فقهای عادل در کشف، بیان و اجرای قوانین مأذونند و اطاعت آنها لازم.

فهرست مطالب :

.....	اهدا و تقدیم	۱
.....	تقدیر و تشکر	۱
.....	چکیده	۱
.....	فهرست مطالب	۱
.....	مقدمه:	۱
.....	طرح اجمالی تحقیق	۱
.....	طرح اجمالی تحقیق	۲
.....	۱- بیان موضوع	۲
.....	۲- سؤال‌های اصلی و فرعی	۲
.....	۳- فرضیه‌های اصلی و فرعی	۳
.....	۴- سابقه موضوع	۳
.....	۵- ضرورت انجام تحقیق	۴
.....	۶- هدف‌ها	۴
.....	۷- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق	۴
.....	۸- روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات	۵
.....	۹- قلمرو تحقیق	۵
.....	۱۰- محدودیت‌های تحقیق	۵
.....	فصل اول: کلیات	۶
.....	مبحث نخست: تعریف حقوق و کاربرد آن در متون اسلامی	۷
.....	گفتار اول: تعریف حق	۷
.....	الف - حق در لغت	۷
.....	۱- حق وحدت معانی یا تعدد معانی	۷
.....	۲- حق به معنای ثابت یا مطابق	۸
.....	ب) حق در اصطلاح	۱۱
.....	ج) حق و مفاهیم مشابه آن	۱۴
.....	۱- حق و ملک	۱۴
.....	۲- حق و حکم	۱۵
.....	گفتار دوم: کاربرد واژه حق در متون اسلامی	۲۰
.....	الف - حق و حقوق در قرآن	۲۰
.....	ب - کاربرد حق و حقوق در احادیث	۲۲
.....	مبحث دوم: اقسام و ارکان حق	۲۳
.....	گفتار اول، اقسام حق	۲۳

۲۳	الف- حق از جهت متعلق آن
۲۳	ب- حق از جهت دوام و تغییر (در اسلام)
۲۴	ج- حق از جهت استیفا (در اسلام)
۲۴	د- از جهت ضمانت اجرا
۲۴	ه- از جهت وضع
۲۵	گفتار دوم: ارکان حق
۲۷	مبحث سوم: تعریف مبنای حقوق
۳۲	فصل دوم: مبنای حقوق از دیدگاه قرآن
۳۳	مبحث نخست: خدا محوری و توحید
۳۴	گفتار نخست: توحید و اقسام آن
۳۴	الف: معنای توحید
۳۴	ب: اقسام توحید
۳۴	۱- توحید ذاتی
۳۵	۲- توحید در صفات
۳۵	۳- توحید در افعال
۳۶	ج: مراتب توحید
۳۶	۱- توحید در ذات
۳۷	۲- توحید در خالقیت
۳۷	۳- توحید در ربوبیت
۳۸	۱-۳ مفهوم رب، در لغت
۴۰	۲-۳ مفهوم ربوبیت تکوینی
۴۲	۳-۳ ربوبیت تشریحی
۴۳	۴- توحید در الوهیت
۴۴	د: توحید خالص
۴۶	گفتار دوم: آثار توحید
۴۶	الف: دلایل انحصار حق قانون گذاری به خداوند
۴۶	۱- دلایل های عقلی
۴۶	۱-۱ نفی ولایت انسان بر انسان
۴۷	۲-۱ بیوند تشریح و تکوین
۴۸	۳-۱ انحصار شرایط قانون گذاری به خداوند
۴۸	۱-۳-۱ شرایط قانون گذار
۴۹	۲- دلایل انحصاری حق قانون گذاری از دیدگاه قرآن
۵۲	مبحث دوم: کرامت انسان
۵۳	گفتار نخست: کرامت ذاتی انسان در قرآن
۵۳	الف) معنای کرامت
۵۴	ب) مصادق کرامت یا فطرت انسانی

۵۴	۱- عقل و بیش
۵۶	۲- گرایش
۶۰	گفتار دوم: کرامت اکتسابی انسان از دیدگاه قرآن کریم
۶۲	الف: هدف و مطلوب نهایی انسان از دیدگاه قرآن کریم
۶۴	ب: معیار کرامت اکتسابی انسان از دیدگاه قرآن کریم
۶۸	مبحث سوم: عدالت
۶۸	گفتار نخست: معنی عدالت
۶۹	گفتار دوم: عدالت الهی
۷۲	گفتار سوم: عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
۷۹	مبحث چهارم: حکمت بالغه الهی
۷۹	گفتار نخست: معنای حکمت
۸۰	گفتار دوم: حکمت الهی
۸۲	مبحث پنجم: معاد
۸۵	فصل سوم: مبانی حقوق از دیدگاه روایات و نقش انسان در قانون گذاری
۸۶	مبحث نخست: خدا مجوری و توحید
۸۷	گفتار نخست: دستور اجرای امر الهی
۸۸	گفتار دوم: تصریح روایات به انحصار قانون گذاری خداوند
۸۹	گفتار سوم: حکم نمودن بغير ما اتى الله موجب عذاب الهی است
۹۰	گفتار چهارم: کافر بودن کسی که به غیر حکم خدا حکم نماید
۹۲	مبحث دوم: کرامت انسان از دیدگاه روایات
۹۴	گفتار نخست: عقل مداری و خرد ورزی
۹۵	گفتار دوم: آزادی و اختیار
۹۶	مبحث سوم: عدالت از دیدگاه روایات
۱۰۰	مبحث چهارم: نقش انسان در قانون گذاری
۱۰۱	گفتار نخست: نقش انبیا در قانون گذاری
۱۰۴	گفتار دوم: نقش ائمه علیهم السلام در قانون گذاری
۱۰۷	گفتار سوم: نقش فقها در قانون گذاری
۱۰۸	گفتار چهارم: نقش مجلس قانون گذاری (پارلمان) در قانون گذاری
۱۱۳	خلاصه و نتیجه مباحث
۱۱۸	﴿ کتابنامه ﴾

مقدمه:

طرح اجمالی تحقیق

- ۱- بیان موضوع
- ۹- قلمرو تحقیق
- ۸- روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات
- ۷- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق
- ۶- هدفها
- ۵- ضرورت انجام تحقیق
- ۴- سابقه موضوع:
- ۳- فرضیه‌های اصلی و فرعی
- ۲- سؤال‌های اصلی و فرعی
- ۱۰- محدودیت‌های تحقیق

طرح اجمالی تحقیق:

۱- بیان موضوع:

سخن از حق و حقوق فراوان به میان آمده و برای دفاع از آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی و گاهی هم برای توجیه سلطه حاکمان راهکارهایی بیان شده است. یکی از مهم‌ترین راهکارها بحث مبانی حقوق است (حقوق یعنی قواعد لازم الاجرائی که تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است و مبنای حقوق یعنی عامل یا عوامل الزام و توجیه ویژگی‌های قواعد حقوقی) در طول تاریخ بشر مکاتب فکری گوناگون در ارتباط با مبنای حقوق پدید آمده است؛ برخی مبنای حقوق را اراده دولت، برخی عقل آدمی و برخی وجدان عمومی دانسته‌اند که عمدتاً به نام دو مکتب «حقوق طبیعی» و «تحقیقی (پوزیتیویسم)» مطرح است. و ما در این رساله در پی بررسی مبانی حقوق از دیدگاه قرآن و احادیث هستیم که از دیدگاه قرآن کریم و روایات چه اصولی به عنوان مبانی حقوق بیان شده است.

۲- سؤال‌های اصلی و فرعی:

سؤال اصلی برای تحقیق حاضر این است که در متون اسلامی (قرآن و حدیث) مبانی حقوق چیست؟ آیا از دید قرآن و حدیث مبنای حقوق همان چیزی است که فلاسفه حقوق گفته‌اند یا مبانی جداگانه و متفاوت از آن دارد.

۱ طرفداران حقوق طبیعی می‌گویند قوانین در طبیعت وجود دارد و قانون‌گذار باید آنها را کشف نماید. در حالی که طرفداران مکتب تحقیقی می‌گویند قوانین حقوقی هیچ‌گونه واقعیتی ندارد و قوام آن به صرف انشاء و امر و نهی است. رک: مصطفی دانش پژوه/ قدرت الله خسروشاهی، فلسفه حقوق، ص ۴۱ - ۴۰.

در ارتباط با این مسأله چند سؤال دیگر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- ۱- وقتی می‌گوئیم مبنای حقوق چیست، مقصودمان از حقوق چه می‌باشد؟
 - ۲- مقصود از مبنای حقوق چیست؟
 - ۳- قواعد حقوقی چه ویژگی‌های دارد که برای یافتن مبنای آن دست به مطالعه می‌زنیم؟
- ۳- فرضیه‌های اصلی و فرعی:

۱- با توجه به تعریف حقوق و ویژگی‌های قواعدی حقوقی (که توضیح آن بعداً خواهد آمد) فرضیه اصلی برای رساله حاضر عبارت است از: خدا محوری و توحید، کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و عدالت. اینها اصولی است که توجیه‌کننده ویژگی‌های قوانین و حقوق است.

۲- فرضیه‌های فرعی برای تحقیق حاضر عبارت است:

- ۱-۲. مقصود از حقوق در موضوع بحث عبارت است از مجموعه قواعد لازم الاجرائی که تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است.
- ۲-۲. مبانی حقوق عبارت از عامل یا عوامل که توجیه‌کننده ویژگی‌های قواعد حقوقی است. به عبارت دیگر، مبانی حقوق عبارت است از عواملی که و توجیه‌کننده الزام، مشروعیت و اصل ضرورت قواعد حقوقی است؛ یعنی چه ضرورت اجتماعی برای انسان اقتضا می‌کند که قواعد حقوقی داشته باشند.
- ۳-۲. ویژگی قواعد حقوقی عبارت است از جعل و اعتباری بودن و الزامی بودن آن.

۴- سابقه موضوع:

برای بررسی سابقه موضوع به بانک اطلاعات دفتر تبلیغات اسلامی مراجعه نمودم هیچ کتاب مستقل در ارتباط با مبانی حقوق از دیدگاه قرآن و حدیث نبود. گرچه به صورت ریز موضوع بعضی‌ها مطرح کرده‌اند.^۱

۱. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر؛ محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام.

۵- ضرورت انجام تحقیق:

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام آئینه‌ای است که انسان می‌تواند خود را در آن ببیند. فکر، عقیده و عمل خود را در زندگی فردی و اجتماعی با آن بسنجد و به این وسیله می‌تواند از لغزش‌ها و انحرافات فکری و عملی خود در برخورد با مواضع و افکار مختلف پاسداری نماید و سلامت خود را در آغاز و پایان راه حفظ نماید.

از طرف دیگر مباحثی مانند مبانی حقوق، ضمن این که از مباحث به شدت مبتلا به و مورد نیاز در هر زمان جهت تثبیت و تحکیم یک فکر و اندیشه در هر جامعه‌ای می‌باشد، یکی از مباحثی است که در رأس هر مرم موضوعات اجتماعی قرار دارد و تعیین‌کننده موضوع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است. بنابراین، و با توجه به سابقه موضوع، تحقیق پیرامون این موضوع یک امر ضروری و لازم است؛ لذا من این موضوع را به عنوان گام آغازین کار علمی‌ام انتخاب نمودم؛ باشد که انشاءالله به آن نتیجه برسم که مورد رضایت اوست.

خدا یا چنان کن سر انجام کار تو خوشنود گردی و ما رستگار

۶- هدف‌ها:

این کار آغازی است برای آشنایی با امر تحقیق و پژوهش و در عین حال هدف این تحقیق عبارت است از آشنایی با مبانی حقوق و ارائه تصویر کلی از اصول عام حقوقی از دیدگاه قرآن و حدیث.

۷- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق:

جنبه نوآوری تحقیق حاضر دو امر می‌تواند باشد:

- ۱- تاهنوز بحث مستقل و مفصلی در زمینه مبانی حقوق از دیدگاه قرآن کریم و احادیث، نه شده است و رساله حاضر اولین تحقیقی است که به این مهم پرداخته است.
- ۲- آشنایی با مبانی و اصول عام قواعد حقوقی از دیدگاه قرآن و احادیث.

۸- روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش انجام تحقیق برای این موضوع، روش نقلی و تحلیلی است. و ابزار گردآوری اطلاعات برای آن کتابخانه می باشد که کتاب های دسته اول، دسته دوم و حاشیه ای مورد بررسی قرار می گیرد.

۹- قلمرو تحقیق:

از آنجا که منبع استدلال برای تحقیق حاضر متون اسلامی (قرآن و حدیث) است، می توان گفت که قلمرو تحقیق از حیث زمان، دوران پس از بعثت پیامبرگرامی اسلام را شامل می شود. و از جهت مکانی شامل آنجاهای است که مسلمانان حضور دارند. و از آن جهت که استدلال های قرآن کریم و روایات بر اساس عقل و فطرت انسانی است و عقل و امیال فطری در همه انسان ها و زمان ها مشترک است و مورد قبول همگان می باشد؛ بنابراین، تحقیق حاضر مخصوص زمان و مکان خاصی نیست؛ بلکه یک بحث پایه است که در همه زمان ها و مکان ها کار برد دارد.

۱۰- محدودیت های تحقیق

علاوه بر محدودیت های ناشی از منابع و امکانات که معمولاً مشکل عام هر تحقیق می باشد. مهم ترین محدودیت این موضوع این است که کارهای جدی در خصوص این موضوع انجام نگرفته است نگارنده در ابتدا با ابهام و سردرگمی مواجه بوده است از سوی دیگر ارتباط موضوع با توحید و شرک، کفر و ایمان از حساسیت خاصی برخوردار است که دست پژوهشگر را در قضاوت و داوری می بندد.

فصل اول :

کلیات

۱. تعریف حق و حقوق.
۲. اقسام و ارکان حق.
۳. تعریف مبنای حقوق.

مبحث نخست: تعریف حقوق و کاربرد آن در متون اسلامی

گفتار اول: تعریف حق

الف - حق در لغت:

واژه شناسان برای کلمه حق و حقوق معانی زیادی ذکر نموده‌اند. مثلاً گفته‌اند: حق در لغت مصدر است و معانی آن عبارت است از راست، درست، در مقابل باطل، راستی، درستی، حقیقت، عدل، داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، سزاواری، شایستگی، ملک و مال. و «حقوق» جمع «حق» است به معنی راستی‌ها، درستی‌ها و...^۱

و یا گفته‌اند: حق، حق الشئ، آن چیز را ثابت گردانید، حقیقت آن خبر را دریافت و دانست، حکم قضا را بر او واجب گردانید. بر فلانی در حقی که بر سر آن کشمکش داشت غلبه کرد. و حقوقاً و حقاً و حقه الامر: آن کار راست، درست و استوار شد «و یحق القول علی الکافرین» سخن بر کافران راست و درست گردید، بر او واجب شد که چنین کند. بر او سزاوار و جایز شد که چنین کند و جمع آن حقوق و حقایق.^۲

و برخی گفته‌اند: حق ضد باطل است «حق الامر» یعنی مطلب واضح است، شک و تردید در آن نیست، و «حقیقت الشئ» یعنی گوینده آن را تصدیق و تأیید کرد.^۳

۱- حق وحدت معانی یا تعدد معانی:

بیشتر محققان تلاش کرده‌اند تا از میان معانی که برای واژه «حق» ذکر شده یکی را اصلی و حقیقی بدانند و معانی دیگر را به نحوی به آن برگردانند و بین آنها مشترک

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹، چاپ هفدهم، ج ۱، ص ۱۳۶۲.

۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث عربی، ۱۹۸۸ م، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. محمد بن الحسن بن درید، جهره اللغة، بیروت، دار العلم للمدرین، طبع اول، ۱۹۸۷ م، ص ۱۰۰.

معنوی قایلند. اما برخی بر این باورند که «حق» دارای معانی متفاوتی همانند کلمه «عین» می‌باشد و صرفاً بین آنها اشتراک لفظی وجود دارد.

به جز محقق اصفهانی - ظاهر - اکثر محققان یک معنی بیشتر برای کلمه «حق» قایل نشده‌اند؛ لذا است که محقق اصفهانی می‌گوید: نیافتیم کسی را که با نظر من موافق باشد و چند معنا برای «حق» قایل شود.

بر اساس نظریه بیشتر محققان، مغایرتی که بین معانی «حق» به وجود آمده ناشی از مصادق گوناگون آن است و گر نه حق یک معنا بیشتر ندارد. مثلاً فرموده است: «لا ینبغی الریب فی انه ماهیه واجدة و معنی وحدانی فی جمیع الموارد و لیس له فی کل مورد معناً مغیراً للآخر و بعبارة آخری انه مشترک معنوی بین مصادقه كأخواته»^۲ تردیدی نیست در این که حق یک ماهیت است و در تمام موارد یک معنا بیشتر ندارد و این گونه نیست که در هر موردی معنای مغایر با دیگری داشته باشد. به دیگر سخن: این کلمه بین مصادق و مواردش مشترک معنوی است.

۲- حق به معنای ثابت یا مطابق:

هر چند بیشتر محققان معتقدند کلمه حق یک معنا بیشتر ندارد. اما این که آن یک معنا چیست، برخی از آنان معنای «ثابت» را و برخی «مطابق» را معنای حقیقی دانسته‌اند. بعضی از صاحب نظران معنای حقیقی «حق» را «ثابت» دانسته و معتقدند: «حق یعنی هر امر ثابت اعم از واقعی و نسبی و این معنا در تمام موارد صادق است خدا را حق می‌گویند؛ چون به برهان عقلی امر ثابت و واقعی است. بر قرآن که حق می‌گویند به

۱. محمدحسین اصفهانی، حاشیه کتاب المکاسب، تحقیق عباس محمد آل سیاع، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.

چاپ اول، ص ۴۱.

۲. امام خمینی رحمته، کتاب البیع، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹، چاپ اول، ج ۱.

اعتبار تعلق آن به خدا و ثبوت آن از طرف خداوند متعال است، چنانکه هر چیزی را که ثابت نیست باطل می‌گویند»^۱.

برخی در تأیید این معنا می‌گویند: «الحق في اللغة و العرف الامر الثابت في قبال الباطل»^۲.
حق در لغت و عرف امر ثابت است در مقابل باطل.

و بعضی می‌گویند: «این واژه معانی گوناگونی دارد که در همه معانی لغوی و اصطلاحی آن یک نحوه «ثبوت» ملحوظ است، خواه ثبوت تکوینی و حقیقی باشد و خواه ثبوت اعتباری و حقوقی»^۳.

برخی معنای اصلی حق را در مطابقت دانسته و گفته‌اند «اصل الحق المطابقة و الموافقة» و در توضیح آن گفته‌اند ما می‌بینیم که مطابقت در بیشتر موارد استعمال آن مراعات شده است.

از جمله:

۱- حق را به معنای «آفریننده» گرفته‌اند به این دلیل که آفریده را مطابق با حکمت به وجود آورده است؛ از این رو به خداوند حق گویند ﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ...﴾ (یونس: ۳۲)
۲- حق را به معنای آفریده شده گفته‌اند از آن رو که آفریدگار آن را بر وفق حکمت پدید آورده است؛ لذا تمام کارهای خداوند حق دانسته شده است ﴿... مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ...﴾ (یونس: ۵).

۳- و اطلاق کلمه حق بر سخن راست از آن جهت است که مضمون آن با واقع مطابق است. با این مطالبی که تا این جا ذکر شد نمی‌توان معین نمود که معنای اصلی

۱. محمد سلام مدکور. المدخل للغة الاسلامی، بی‌جا، دار النهضة العربیه، بی‌نا، ۱۹۸۲م، ص ۴۱۹.

۲. سید محسن حکیم. نهج الفقاهه، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، بی‌تا، ص ۶؛ و نیز، رک: سید ابوالقاسم خوئی،

مصباح الفقاهه فی المعاملات، ج ۲، ص ۴۷ و ۴۸.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی، ص ۲۶.

۴. حسین ابن حمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق، ماده حق.

کلمه «حق» ثابت و ثبوت است یا مطابقت و موافقت. اما اگر تفاوتی را که در فلسفه بین «صدق» و «حق» بیان نموده‌اند بپذیریم و نیز بپذیریم که بیان فلسفه از صدق و حق مبتنی بر همان معنای لغوی است، در این صورت معنای اصلی «حق» روشن خواهد شد. در فلسفه سهروردی از قول برخی، تفاوتی بین حق و صدق نقل شده است. ولی خود شیخ اشراق آن فرق را قبول ندارد و می‌گوید حق و صدق به یک معنا است. ولی از بیان ملا صدرا و توضیحی که برخی برای آن داده‌اند، به خوبی معلوم می‌شود که میان «صدق» و «حق» تفاوت وجود دارد. و تعبیر خود شان این است: «فیقال هذا قول حق و اعتقاد حق... فهو صادق باعتبار نسبته الی الامر و حقاً باعتبار نسبة الامر الیه» پس گفته می‌شود که این قول حق است و این اعتقاد حق است...، پس آن قول یا اعتقاد صادق است به اعتبار نسبت قول به امر و حق است به اعتبار نسبت امر به قول. برخی در توضیح عبارت فوق می‌گویند: «بأن الحق و الصدق کلیمهما من صفة القول باعتبارین: فباعتبار ان الخارج مطابق - بالكسر - للقول فیقال هذا قول حق، و باعتبار ان القول مطابق للخارج فیقال هذا قول صادق و صدق». یعنی حق و صدق هر دو از صفات قول‌اند به دو اعتبار: پس به اعتبار این که خارج مطابق با قول است گفته می‌شود حق، و به اعتبار این که قول مطابق با خارج است گفته می‌شود صادق و صدق.^۱ بنابراین توضیحات، مشخص می‌شود که میان «صدق» و «حق» تفاوت وجود دارد؛ یعنی معنای صدق «مطابقت با واقع است» و معنای حق «خود واقع و نفس الامر» که علامه طباطبایی از واقع و نفس الامر به «ثبوت» تعبیر می‌کند.^۲

۱. صدر الدین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، تهران، وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳، چاپ سوم، ص ۱۴۷.

۲. در واقع، نفس الامر همان معنای عام ثبوت است که شامل مراتب سه‌گانه، یعنی ثبوت وجود، ثبوت ماهیت

و ثبوت مفاهیم اعتباری عقلی می‌گردد. علی شیروانی، شرح مصطلحات فلسفی بديأية الحکمة و نهاية

الحکمة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه مرکز انتشارات، ۱۳۷۷، چاپ دوم، ص ۵۵.